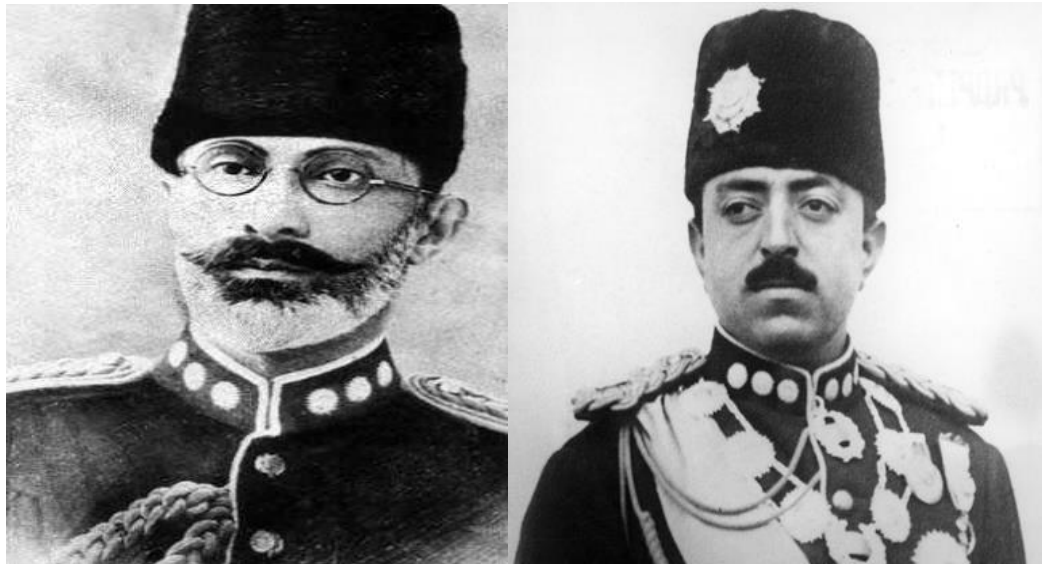


ادعای گرفتن استقلال افغانستان از انگلیسها ، نادرست و دروغ محض است



نادر خان

امان الله خان

نویسنده : دکتر بصیر کامجو

واژه استقلال درخزانه دانشی فرهنگ زبان فارسی ، به مفاهیم آزادی ، اتکاء نفس ، خود سالاربودن ، خود مختاربودن ، خود مستقل بودن ، آزادی داشتن ، به آزادی کار کردن ، بدون مداخله کسی کار خود را اداره کردن ، در دست داشتن سرنوشت خود ، اختیار ، اجازه ، خود ارادیت ... می باشد .

از دید سیاسی واژه استقلال ، به مراد خود فرمانی ملی ، خود سالاری ملی ، خود گردانی ملی ، خود مختاری ، اراده کردن به کاری ، قانون گذاری ، بدون مداخله کشورهای بیگانه کار خود را انجام دادن ، اداره کردن کشور با اختیار و آزادی ، و غیره .

همین اهمیت و ارزش گرانیه آزادی ، برای انسان بوده و هست که وی - همیشه تا کرانه مرگ از آن پاسداری و مراقبت می کند .

تاریخ گواه فرآیند راهکار سیاسی ایست ، که گرفتن استقلال یک کشور از نزد استعمارگران کهنه ونو ، و رسیدن آن به خود فرمانی ملی ، با نبرد ها - مقاومت و پایداری میهن پرستان راستین در برابر متغلب ها ، باریزش خون هزاران هزار سرباز راه آزادی ، در امر دفاع از خاک و شرف و ناموس - بدست آمده است .

بگونه نمونه : گرفتن استقلال خراسان زمین از دولت اموی تازی ها در 15 نوامبر 749 میلادی ، شیلی از اسپانیا در 12 فبروری 1818 م . ، بلژیک از هلند در 21 جولای 1830 م . ، لیبیا از ایتالیا در 24 دسامبر 1951 م . ، الجزایر از فرانسه در 5 جولای 1962 م . ، بحرین از بریتانیا 15 اگست 1971 م . ، آنگولا از پرتغال در 11 نوامبر 1975 م و لاغیرمی باشد .

تلاش ما در این نوشته هم ، روشن کردن شماری از حقایق تاریخی است که ، گویا از نبرد های استقلال خواهی افغانستان در برابر انگلیسها ، خبر می دهد . زیرا حقایق تاریخی ، مبنی بر استقلال 1919 افغانستان همیشه از جانب حاکمان قبیله گرا و نویسندگان وابسته به آنها ، مورد دستبرد و دگرگونی قرار گرفته است . اکنون با استفاده از امکانات پیشرفته رسانه ی ، زمان آن رسیده که مردم و نسل جوان ما بدانند که آیا ! " ادعای گرفتن استقلال افغانستان از بریتانیا در 19 اگست 1919 میلادی " برهبری نادر خان وزیر جنگ و امان الله خان پادشاه وقت ، درست است یا خیر ؟

نخست - گزارش شکست شرم آور نادرخان مقابل انگلیسها ، در جنگ تل

در جبهه خوست ژنرال محمد نادرخان که یک تعداد از افراد قبایلی با او همراه بودند در 23 ماه می 1919 میلادی به سوی شهر و مرکز نظامی انگلیستان در تل حرکت نمود . همسو بر آن ، نیروهای نظامی و قبایلی بوسیله افراد خانواده حضرت مجددی و سایر روحانیون و عالمان دین به جنگ تشویق می شدند . شش عراده توپ از راه های دشوار سرحدی عبور داده شد و در 26 ماه می 1919 م. در برابر تل ظاهر گردیدند ؛ و تبادل آتش میان نیروهای نادرخان افغان و ساخلوی انگلیسی در گرفت . (1)

... بقول خاطرات ظفر حسن آبیگ ، هندوستانی تبار ، دستیار و همه کاره ژنرال نادر ، در کتاب خود می نویسد :

" قبل از شام آروز (26 می 11919 م.) ، من مشاهده کردم ، ماشیندار هائیکه برای گلوله باری برپاسگاه های قلعه به سوی دریای کرم فرستاده شده بود ، برقاطرها بار شده ، از راه دره های کوهستانی به سمت مخالف محاذ می روند . من آن سپاهیان را توقف داده ، کوشیدم ایشان را به حرکت دوباره به صوب محاذ اعزام دارم . اما وضع آن سپاهیان به اندازه تغییر یافته بود که اگر من اندکی بیشتر اصرار می کردم ، شاید ایشان بر من شلیک می نمودند . من مشاهده کردم که عقب نشینی سپاهیان از سنگر پایان یافت . به خاطر رساندن این خبر در جستجوی سپه سالار نادرخان شدم ، سرانجام در نماز شام نزد او رسیدم و از ایشان دریافتم که همه سپاهیان پیاده انتهای دریای کرم و سپاهیان مسلح ، ماشیندارها و توپ ها را در سنگر های خود گذاشته و از دستور افسران خویش سرکشی نموده بطرف اردوگاه حرکت کرده اند .

باقی لشکر بادیدن این وضع مورال خود را از دست داده و هرکس خود سرانه جهت عقب نشینی بطرف مرز افغانستان آمادگی گرفته است . حتا عده ای از سپاهیان بالای قاطران که برای حمل و نقل اسلحه تخصیص یافته بودند سوار شده ، راه افغانستان را درپیش گرفتند و وسایل جنگی را با سایر ابزار که بایست بالای قاطر ها حمل می شد ، در عقب خود بجا گذاشتند .

برای ما علت رویه بد و سرکشی و فرار سپاهیان معلوم نشد . از جمله آنها نه کسی شهید شده بود و نه کسی جراحت برداشته بود

بعد ها ما دریافتیم که بامداد روز دیگر (27 می 1919 م.) نیرو های انگریزی (انگلیسها) از دریای کرم عبور کرده ، بر اردوگاه قبلی ما آمدند و اردوگاه ما را خالی یافتند ، سپس آنرا ترک گفته و ما را تعقیب نکردند .

بر اساس حکم سپه سالار نادرخان در آن شب خیمه هارا برقاطر ها حمل کردیم و بر آن تعداد حیوانات

بارکشی که موجود بود ، جنگ افزار ها ، مرمی و باروت را انتقال دادیم . چون برخی سپاهیان ، قاطرهارا سوار شده فرار نموده بودند ، مجبور شدیم یکتعداد از وسایل جنگی را در میدان جنگ رها کنیم .

مردم خوست ازین وضع درهم و برهم آگاهی نیافتند و نه موضوع در حلقات رسمی کابل نفوذ کرد. همه گمان می کردند که لشکر نادر خان درجنگ تل به پیروزی دست یافته و صرف به اساس فرمان امیر امان الله خان عقب نشینی صورت گرفته است.

از خوش قسمتی سپه سالار نادرخان و کرم و عنایت خداوندی که شامل حال او گردید، این شکست در انظارمردم ، رنگ فتح و پیروزی را به خود گرفت و برعزت او افزود . " (2)

– **ظفر حسن آیبک** در ادامه گفتارش می نویسد که ، جنگ در جبهه جلال آباد در برابر انگلیسها به سرکردگی صالح محمد خان، نیز شکست خورده بود ، وی می افزاید :

" ... از سوی دیگر پس از رسیدن به متون خوست ، مادر یافتیم که در آغاز جنگ ، صالح محمد خان در محاذ جلال آباد شکست خورده و هوا پیمای انگریزها (انگلیسها) چند بم بر کابل فروریخته بود. ارباب حکومت و اهالی کابل آنقدر هراسان شده بودند که برای ترک کابل و انتقال مرکز حکومت به دره پنجشیر آمادگی می گرفتند. " (3)

دوم – افساء راز ، ادعای گرفتن استقلال افغانستان از انگلیسها

تقویت انگیزه سیاسی ای که سبب دادن برنامه استقلال و خود مختاری به دولت افغانستان ، از جانب انگلیسها انجام یافته بود ، آنقدر هم وابستگی ای به شکست و بُرد جنگ های ساختگی ، میان دولت امان الله خان و دولت هند برتانوی نداشته است .

بلکه انگلیسها این راهکار را از تجربه و درک سیاسی خویش ، از نگرش اوضاع سیاسی جهانی و آموزش درس های پس از جنگ جهانی اول (1914 – 1919 م.) استخراج نموده بودند. زیرا با دست آویز تجربه ، در آن دوره تاریخی الویت های سیاسی دولت بریتانیا را ، تنها و تنها تأمین منافع ملی و تداوم سیاست استعماری این کشور، در نیم قاره هند تشکیل می داده است. جهت روشنی مسئله و بازشناسی پهلوهای پوشیده این مشکل تاریخی ، نگاه کوتاهی به عوامل بروز جنگ جهانی اول و پیامد های وابسته به سیاست های استعماری انگلیس و شوروی در آسیای مرکزی و جنوبی می پردازیم .:

" جنگ جهانی اول در پی ترور آرشیدوک فرانکس فردیناند ولیعهد امپراتوری اتریش – مجارستان در (28 فبروری 1914 میلادی) بوسیله شهروند ملی گرای صرب ، گاوریلو پرنسیپ ، در سرایه و بوسنی به وقوع پیوست. در نتیجه این اقدام تروریستی ، اتریش – مجارستان به صربستان التیماتوم داد.

امپراتوری روسیه که متحد صربستان بود دست به بسیج نیرو های خود زد که این خود موجب نگرانی متحد اتریش – مجارستان ، یعنی امپراتوری آلمان شد. آلمان برای جلوگیری از یک جنگ دو جبهه ای به متحد روسیه ، یعنی فرانسه حمله کرد. برای سرعت بخشیدن به روند حمله به خاک فرانسه ، ارتش آلمان طرحی را اجرا کرد که به موجب آن نیرو های آلمانی از خاک بلجیم برای حمله به فرانسه بهره می بردند . تجاوز آلمان به خاک بلجیم باعث شد که متحد این کشور ، یعنی امپراتوری بریتانیا نیز به آلمان اعلان جنگ داد.

- جنگندگان دو گروه بودند :

گروه اول - متحدین امپراتوری آلمان : اتریش - مجارستان ، دولت عثمانی ، بلغارستان
گروه دوم - متفقین صربستان : روسیه ، جمهوری سوم فرانسه ، بریتانیا ، ایتالیا ، آمریکا ، جاپان و رومانی . که بر اثر آن ده میلیون انسان بی گناه کشته شدند. " (4)

الف - پیامد های جنگ و تغییر سیاست انگلیس در هند برتانوی و افغانستان

افزون بر پیامد های ناگوار جنگ جهانی اول در اروپا و جهان ، " این جنگ همچنین زمینه را برای انقلاب روسیه مهیا ساخت ؛ امری که بر آینده جهان تأثیر گذاشت و از چین تا کوبا به انقلاب های سوسیالیستی دامن زد و از سوی زمینه ساز تبدیل شوروی به یک ابرقدرت جهانی شد. " (5) ابرقدرتی که یک سرجغرافیایی سیاسی آن در اروپا و سردیگران در همسایگی آمریکا ، و سمت جنوبی آن با آسیای میانه هم سرحد بود .

همین پیدایی ابرقدرت شوروی (6) سبب شد که ، در سیاست استعمارکهنه و نو بریتانیا در جهان و بویژه در هند برتانوی و افغانستان ، جبراً تغییرات بس بزرگی رونما گردد .

- دولت بریتانیا با آموزش سیاسی و تاریخی ای که از سالهای 1600 میلادی به بعد، از هند برتانوی و افغانستان ، بدست آورده بود . و بویژه کسب تجارب تازه وی - از جنگ جهانی اول که پیامد های آن موجب فروریختن پی در پی دیوارهای کهنه استعمار ، پیدایی و تقویه جنبش های آزادی خواه ملی در کشورهای مختلف جهان گردیده بود ، کشور بریتانیا را ناچار ساخت که تا در سیاست های منطقه ای خویش ، در حوزه مرکزی و جنوبی آسیا ، تجدید نظر نماید .

چون هند برتانوی بزرگترین منبع مالی کشور بریتانیای کبیر را تشکیل می داد ، و نگهداری و دفاع از جغرافیایی سیاسی این کشور ، در برابر تهاجم احتمالی اتحاد شوروی ، یکی از الویت های سیاسی و حیاتی ، بریتانیا بشمار می رفت.

به این اساس بود که ، کشور بریتانیا برای تأمین منافع ملی درازمدت خویش ، هند برتانوی را نسبت به افغانستان ، در سایه رغبت سیاسی خویش آگاهانه بپذیرد . بریتانیا ، با این گزینش ، کشور افغانستان را بصفت سپر دفاعی هند برتانوی در برابر تهاجمات دولت شوروی قرار می دهد. زیرا موقعیت جغرافیایی سیاسی افغانستان منحیث کشور حایل میان دو ابرقدرت جهانی ، برای دولت بریتانیا خیلی بااهمیت و باارزش بود.

بنأ دادن استقلال و خودمختاری از جانب انگلیسها برای دولت شاه امان الله خان ، ضمن اینکه سپاهیان افغانستان در نبرد های (تل - پکتیا) و جلال آباد ، شکست خورده بودند تصادفی نبوده بلکه یک اقدام دوراندیشانه برای تداوم بقاء سیاست استعماری بریتانیا در هند برتانوی بوده است . و نه داشتن اشتیاق اخلاقی به استقلال و آزادی کشوری بنام افغانستان.

زیرا ! اگر بریتانیا استقلال افغانستان و خود مختاری قشری را ، بدولت امان الله خان بخشش نمی داد . در آن صورت هر تهاجم اتحاد شوروی به کشور افغانستان بسان مستعمره انگلیس ، در حقیقت اعلان جنگ شوروی ، مقابل بریتانیا بود . بریتانیا با تحقق چنین راهبرد سیاسی موفق شد که افغانستان را مانند منطقه حایل همچو سپر جنگی در برابر شوروی ها قرار دهد. و خود در آرامش خاطر ، مصروف دستبرد و اختلاس ، چپاول و غارت دارایی مردم شریف هندوستان گردد.

نتیجه گیری :

– با اتکاء به اسناد و منابع معتبر تاریخی میتوان اقرار کرد که ، " ادعای گرفتن استقلال افغانستان از انگلیسها کاملاً نادرست و دروغ " محض است.

این شرمساری و خجلت می آورد که ما سخنی از استقلال و آزادی دروغین بزنیم . این نامردها و خاکفروشان تاریخ خود می بینند که بیرق استعمار کهنه ونو، برهبری بریتانیا و آمریکا همین اکنون بر آسمان پُرود و خونچکان سرزمین ما ، در اهتزاز است.

– یگانه استقلال واقعی تاریخ سرزمین نیاکان ما که ، شایسته برپایی جشن و خوشی و افتخار را دارد ، جشن پیروزی استقلال سرزمین خراسان ، به سرکردگی ابو مسلم خراسانی (718 – 755 میلادی) در برابر مهاجمان اموی های تازی می باشد.

ابومسلم خراسانی دربردهای آزادی خواهی که از تاریخ می – 747 میلادی آغاز و سرانجام در نوامبر 749 میلادی موفق شد(7) که استقلال سرزمین خود را از اموی های تازی بگیرد. پیروزی ابومسلم خراسانی دوکار پرافتخار و ماندگار تاریخی را ، به اخلاف خود بجا گذاشت .

1 – دست مهاجم اموی های تازی، این جانیان و قاتلان بشریت را از سرزمین نیاکان ما تا به امروز کوتاه ساخت .

2 – با سرنگونی دولت ستمگستر اسلامی اموی ، بار دیگر فرمانروایی خاندان عباسی را ، برجهان اسلام پایگذاری کرد .

بالاحترام

منابع و مأخذ

- 1 – کتاب افغانستان در پنج قرن اخیر ، مؤلف : محمد صدیق فرهنگ ، جلد دوم ، چاپ : 1374 ، صفحه 504 – 505 .
- 2 – کتاب خاطرات ظفرحسن آیبیک ، افغانستان از سلطنت امیرحبیب الله خان تا صدارت محمد هاشم خان ، ترجمه : فضل الرحمان فاضل ، فیروزی 2001 میلادی ، صفحه 171 ، 172 ، 173 ، 174 .
- 3 – کتاب خاطرات ظفرحسن آیبیک ، افغانستان از سلطنت امیرحبیب الله خان تا صدارت محمد هاشم خان ، ترجمه : فضل الرحمان فاضل ، فیروزی 2001 میلادی ، ص 176 .
- 4 – دانشنامه آزاد " بخش جنگ جهانی اول "
- 5 – دانشنامه آزاد " بخش جنگ جهانی اول "
- 6 – دولت ابرقدرت شوروی نیز یکی از خودکامه ترین ساختار سیاسی ای که در پی استقرار دیکتاتوری پرولتاریا و مخالف دموکراسی و آزادی رسانه ای و تعادل حقوق شهروندی بود . از جمله دست آورد های شرم آور آن ، اشغال کشور ما و جابجایی زبان روسی بجای زبان فارسی در آسیای میانه بوده است .
- 7 – دانشنامه آزاد بخش ابومسلم .